

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

شب پانزدهم محرم ۱۴۴۲ مطابق با پنجشنبه ۱۳۹۹/۶/۱۳

امام حسین علیه السلام فرمودند: «إِنَّ حُبَّنَا لَتُسَاقِطُ الذُّنُوبَ كَمَا تَسَاقِطُ الرِّيحُ الْوَرَقَ - محبت ما اهل بیت سبب ریزش گناهان است، چنانکه باد، برگ درختان را می‌ریزد». (حیة الامام الحسین، ج ۱ ص ۱۵۶)

موضوع تدبر:

آیا برآستی ما از حبّ اهل بیت علیه السلام برخورداریم و دیگر اینکه ارتباط این حبّ با ریزش گناهان در چیست؟

پاسخ:

اما اینکه ما از چنین حبّی برخوردار هستیم یا نه؟

آیه ۳۱ آل عمران در این باره می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ - بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد که خدا آمرزنده مهربان است.» یعنی این که دوستی خدا باید خود را در اعمال، اخلاق و باورها نشان دهد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هر که ما را دوست دارد باید مثل ما عمل کند و لباس پرهیزگاری را جامه و پوشش خود قرار دهد» (بحار الانوار، ج ۱، ص ۹۲)

«دروغ می‌گوید کسی که ادعای محبت ما خاندان را می‌کند ولی از دشمنان ما برائت نمی‌جوید.» (مستطرفات السرائر، ص ۶۴۰)

البته دوستی و محبت مراتبی دارد: «من أحبنا بقلبه و أعاننا بلسانه و قاتل معنا بیده فهو معنا فی الجنة فی درجتنا - هر کس ما را در دل دوست داشته باشد و با زبانش یاری کند و با دستش به دفاع از ما برخیزد (یعنی با تمام وجود دلباخته ما باشد)، در بهشت هم درجه و همنشین ما خواهد بود.

و من أحبنا بقلبه و أعاننا بلسانه و لم یقاتل معنا أعداءنا فهو أسفل من ذلك بدرجة - و هر که ما را با دل دوست بدارد و با زبان یاری کند و همراه ما با دشمنانمان ننگد، یک درجه پایین‌تر خواهد بود.

و من أحبنا بقلبه و لم یُعنا بلسانه و لا بیده فهو فی الجنة - و هر که با قلبش ما را دوست دارد ولی با زبان و دست به یاری ما نشتابد، در بهشت خواهد بود.» (بحار، ج ۱۰ ص ۱۰۷)

اصبغ بن نباته، می‌گوید: «در مسجد کوفه و در محضر امیرمؤمنان علی علیه السلام بودم که غلام سیاهی را به اتهام سرقت به محضر آن حضرت آوردند. بعد از سه بار اقرار وی به دزدی و اثبات آن در نزد علی علیه السلام، امام دستور داد تا دست راست او را قطع کنند. آن غلام با دست چپ، دست بریده خویش را در حالی که خون از آن می‌ریخت، برداشته و از محضر امام بیرون رفت. در این موقع یکی از خوارج و دشمنان حضرت از فرصت استفاده کرد و به او گفت: ای غلام دست تو را چه کسی قطع کرد؟ او چنین گفت: «قطع یمینی امام التقی، و ابن عم المصطفی شقیق النبی المجتبی، لیث الثری، غیث الوری، حتف العدی و مفتاح الندی و مصباح الدجی. قطع یمینی امام بدری

احدی مکی مدنی ابطحی هاشمی قرشی - دست راستم را کسی برید که پیشوای متقیان و پسر عمو، برادر پیامبر صلی الله علیه و آله، شیر روی زمین، باران بیابان ها، کوبنده دشمنان و چراغ فروزان در تاریکی هاست. دست راستم را پیشوایی قطع کرد که قهرمان نبردهای بدر و احد بود. او سرور مکه و مدینه و ابطح است و از دودمان هاشم و قریش است.» خبر را به محضر علی علیه السلام رساندند، امام دست بریده او را گرفته و با عبای خود پوشانید و دو رکعت نماز خوانده و دعا کردند و بعد دست را بر جای خود قرار دادند و آنگاه عبا را برداشتند، دست غلام به حالت اول برگشت.

آنگاه فرمود: «یابن الکوا، ان لنا محبین لو قطعنا الواحد منهم اربا اربا ما ازدادوا الا حبا و لنا مبغضین لو العقناهم العسل ما ازدادوا الا بغضا - ای ابن کوا! ما دوستانی داریم که اگر ایشان را قطعه قطعه کنیم جز بر دوستی و محبت آنان نسبت به ما نیفزاید و دشمنانی داریم که اگر عسل خالص در گلوی آن ها بریزیم جز بر دشمنی نسبت به ما نخواهد افزود.» (بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۷۶)

اما اینکه چه رابطه‌ای میان محبت اهل البیت علیهم السلام و ریزش گناهان وجود دارد؟ از روایات اینطور استفاده می‌شود که این حبّ اگر حقیقی باشد، در انسان خصلت‌ها و آثاری ایجاد می‌کند که آثار این محبت را مرحوم صدوق در خصال از ابی سعید خدری، چنین نقل می‌کنند؛ رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «...فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عَشْرِينَ خَصْلَةً: در محبت اهل بیت (علیه السلام)، بیست تا خصوصیت وجود دارد: عَشْرٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَ عَشْرٌ فِي الْآخِرَةِ، ده خصوصیت در دنیاست و ده تا در آخرت به صاحب محبت داده می‌شود.

أَمَّا فِي الدُّنْيَا فَالزُّهُدُ وَ الْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ: اول اینکه نسبت به تعلقات دنیا رها و زاهد می‌شود.) محبت دنیا و غم و غصّه آن از دلش بیرون می‌رود. و این محبت انگیزه اعمال صالحه را در او بالا می‌برد. و الْوَرَعُ فِي الدِّينِ. در دینش اهل تقوا و احتیاط می‌شود.

و الرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ: نسبت به بندگی خدای متعال، شوق و رغبت می‌یابند.

و التَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ. قبل از اینکه فرصت از دستش برود. حتماً توبه می‌کند

و النَّشَاطُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ: نشاطی در شب بیداری و شب زنده داری برایش پیدا می‌شود.

و الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ: امیدش از آنچه در دست دیگران است، قطع می‌شود و نسبت به مردم (غیر خدا) ناامید می‌شود.

وَ الْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ: نسبت به اوامر و نواهی خدای متعال، بی تفاوت نیست بلکه حافظ آنها می‌شود.

و النَّاسِغَةُ بُغْضُ الدُّنْيَا وَ الْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ: دنیا را مبغوض می‌دارد و از همه چیزهای خودش می‌گذرد و به راحتی آن ها را در راه خدا تقدیم می‌کند.

اما آنچه در آخرت نتیجه محبت است:

فَلَا يُنْشَرُ لَهُ دِيْوَانٌ: در آخرت دیگر برای او کتاب و صحیفه اش را باز نمی‌کنند. (این صحیفه مال کسی است که صاحب مقام نیست..)

وَ لَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ: دیگر برایش ترازویی قرار نمی‌دهند که اعمالش را برایش بکشند و سبک سنگین کنند.

وَ يُكْتَبُ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ: برائت از آتش جهنم برای او نوشته می‌شود.

وَ يَبْيِضُ وَجْهُهُ: چهره او نورانی می‌شود.

و يُكْسَى مِنْ حُلْلِ الْجَنَّةِ: حله های بهشتی را بر او می پوشانند
و يُشْفَعُ فِي مَائَةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ: برای صد نفر از اهل بیت خودش حق شفاعت پیدا می کنند.
و يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ: خدای متعال به او با رحمت نظر می کند،
و يُتَوَّجُ مِنْ تيجَانِ الْجَنَّةِ: تاج های بهشتی را بر سر او می گذارند
و الْعَاشِرَةُ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ: بدون حساب و کتاب وارد بهشت می شود. فَطُوبَى لِمُحِبِّي أَهْلِ
بَيْتِي پس خوشا به حال دوستداران اهل بیتم. (بحار الأنوار، مجلسی/ ۷۸/۲۷ ، باب ۴- ثواب حبهم و
نصرهم و ولايتهم).

با این روایات معلوم می شود که چرا پیامبر (ص) در ازای اجرت رسالت تنها دوستی اهل بیت خود را
خواسته است که آنها برای نجات امت است. « قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة فى القربى »
(شوری / ۲۳) بگو: من بر انجام امر رسالت، از شما مزدی نمی خواهم مگر دوستی و محبت درباره
نزدیکانم.

روضة: مصائب حضرت زینب سلام الله علیها

وقتی خبر شهادت حمزه سیدالشهدا به پیغمبر خدا رسید، خیلی محزون شد آقا رسول الله، آمد کنار بدن
مُتْلَه شده عمو، تاشنید صفیّه خواهرش دارد می آید، عبایش را انداخت روی بدن، یک مقدار از پاها
بیرون مانده بود، خارو خاشاک را جمع کردند ریختند تا بدن کاملاً پوشیده شد. پیامبر نخواستن
خواهر، بدن مُتْلَه شده و غرق به خون برادر را، ببیند.

یار رسول الله... آقا جان ای کاش کسی تو کربلا هم بود نمی گذاشت عمه سادات..... بدن پاره پاره
و..... بی سر ابی عبدالله رو نبینه..... بدن پاره پاره حسینش رو دید سر بریده حسینش را هم
..... رو نیزه دید

صلی الله علیک یا سیدتی یا بنت امیرالمؤمنین

خواهم ز خدا که بی ولایم نکند	غرق گنهم ولی رهیم نکند
یک خواسته دارم از خدای تو حسین	در هر دو جهان از تو جدایم نکند